

مشارکت شهروندان در فرایندهای دموکراتیک

زهرا افتخاری

پژوهشگر اجتماعی

- Deliberative Democracy
- Jon Elster Adom Przeworski (eds)
- Cambridge University Press
- 2002

طراحی و پیشنهاد کنید که دستیابی به پیامدها و نتایج منطقی، کارآمد و پذیرفتنی را تضمین کند، چه رویه‌های تصمیم‌گیری را نیک و مفید دانسته و آنها را به عنوان بنیادهای نظام سیاسی پیشنهادی خود طرح می‌کنید؟ بنا به اعتقاد الستر و پرزورسکی، تمام رویه‌های پیشنهادی ممکن ترکیبی برآمده از سه نمونه آزمائی‌اند: بحث و گفتگو کردن، چانه زنی و رأی دادن. الستر ریشه‌های مباحث خود را به دیدگاه‌های هابرماس دربارهٔ خرد ارتباطی، کنش ارتباطی، نقد عقلانیت

امروزه، نظریه حقوق و نظریه دموکراسی، هر دو، به نقطهٔ عطف خود رسیده‌اند در حکومت‌های دموکراتیک قدیمی موجود در جوامع غربی پساصنعتی، مسائل ناشی از پیچیدگی اجتماعی، پلورالیسم و دولت رفاه، چارچوب‌های حقوقی گذشته را با تنگناهای بسیار زیادی روبرو ساخته‌اند. چالش‌های مذکور با گسترده شدن تمایلات دموکراتیک در دیگر مناطق جهان که در آنها شرایط زیربنایی و فرهنگی لازم برای دموکراسی و حکومت قانون هنوز باید به صورتی آگاهانه «ساخته» شود، شدت نیز خواهند یافت. در این شرایط، یکی از سازنده‌ترین و خوش‌بینانه‌ترین تحولات نظری با طرح ایده‌های مربوط به «دموکراسی رایزنانه» آغاز گردیده است. دیدگاه‌های حامی «دموکراسی رایزنانه» به بیان این ایده می‌پردازند که مشارکت شهروندان در فرایندهای دموکراتیک دارای خوی و سرشتی «عقلانی» است - به عنوان مثال، رأی دادن نباید صرفاً منجر به توده و انباشته شدن اولویتها و منافع فردی معین گردد بلکه باید از فرآیند «تعامل متفکرانه و تکوین عقاید» که طی آن شهروندان از استدلالهای منطقی‌تر و منافع‌عام‌تر آگاهی می‌یابند، پیروی کند.

دیدگاه‌های حامی «دموکراسی رایزنانه»
به بیان این ایده می‌پردازند که مشارکت شهروندان
در فرایندهای دموکراتیک دارای خوی و سرشتی
«عقلانی» است

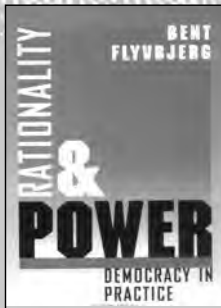
ابزاری، اجماع و هرمنوتیک باز می‌گرداند. هابرماس در اثر مشهور خود با نام «در میانه واقعیتها و هنجارها» (Between Facts and Norms) که عنوان فرعی «نظریه گفتمانی حقوق و دموکراسی» را نیز به همراه دارد، یک مفهوم‌سازی چشمگیر و دقیق جامعه‌شناختی از حقوق و حقوق اساسی، تفسیری هنجاری از حکومت قانون و دولت مبتنی بر قانون اساسی و یک

دموکراسی رایزنانه، مجموعه مقالات ویراستهٔ الستر و آدام پرزورسکی با تأکید بر نقش گفتمان عمومی در دموکراسی، مطمئناً به این گرایش فکری تعلق داشته و به بسط آن کمک خواهد کرد.

الستر و پرزورسکی مباحث خود دربارهٔ دموکراسی رایزنانه را با طرح یک پرسش بنیادین آغاز می‌کنند: اگر از شما بخواهند که از نو یک نظام سیاسی را

برخی ملاحظات انتقادی دربارهٔ دموکراسی رایزنانه و چگونگی ایجاد تعادل میان «رای دادن» و «بحث و گفتگو کردن»، در یک نظام سیاسی اختصاص دارد، از دیگر مطالب ارزنده کتاب است. گفتنی است که دیدگاه‌های مربوط به «دموکراسی رایزنانه» به هیچ عنوان مباحثی صرفاً انتزاعی نیست، بلکه در بطن سیاست جوامع مدرن نهفته است.

دیدگاه نظری جدید درباره «دموکراسی گفتمانی» ارائه می‌کند. الستر پس از شرح نظریه هابرماس و نقد وجوه «نخبه‌گرایانه» نهفته در نظریه هابرماس، دیدگاه خود دربارهٔ دموکراسی رایزنانه را با بحث درباره مفاهیم «بحث و گفتگو»، «چانه‌زنی» و «رای دادن» مطرح می‌کند. بحث سوزان استاک دربارهٔ «آسیب‌شناسی رایزنی» و مباحث جیمز جانسون و کاس سانستین که به ارائه

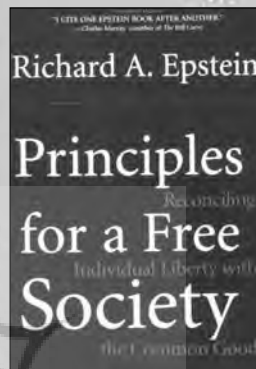


- Rationality and Power : Democracy in Practice (Morality and Society)
- Bent Flyvbjerg, Steven Sampson
- University of Chicago Press
- February 28, 1998, 304 P.

در عرف روشنفکری، عقلانیت مقوله‌ای کاملاً مشخص و مستقل از بافت به شمار می‌آید؛ ما می‌دانیم عقلانیت چیست و مفهوم آن در طول زمان و مکان ثابت است. با این حال فلاپیبرگ معتقد است که عقلانیت به بافت بستگی دارد و بافت و موقعیت اصلی را قدرت سیاسی تصمیم‌گیرندگان تعیین می‌کند. فلاپیبرگ ما را به پشت پرده می‌برد تا پرده از روی سیاست‌ها و عقلانیت واقعی مدیریت و برنامه‌ریزی عمومی در پروژه اصلاح زیست‌محیطی شهر آلبورگ دانمارک بردارد، همان پروژه‌ای که مورد تأیید و تشویق بین‌المللی بود. نتیجه کار گزارشی است عینی و در عین حال کلی، مربوط به زمان ما و در عین حال همیشگی است. نویسنده با بهره‌گیری از اندیشه‌های ماکیاولی، نیچه، هابرماس و فوکو، آلبورگ را استعاره‌ای از مدرنیته و سیاست مدرن می‌داند. او نشان می‌دهد که چگونه قدرت، تأمل سیاسی را به بحث سیاست‌گذاری‌ای منحرف می‌کند که یکی از اهدافش کاهش ترافیک در مرکز شهر آلبورگ است.

فلاپیبرگ نشان می‌دهد که در مقابل عقلانیت‌های واقعی دخیل در تصمیم‌گیری مدیران و سیاست‌گذاران، عقلانیت مدرن تنها می‌تواند یک آرمان باشد. وی سپس به این موضوع می‌پردازد که چگونه می‌توان از این مشکل اجتناب ورزید به نحوی که به تفکر و عملکردی ثمربخش دست پیدا کرد.

بنت فلاپی برگ
ترجمهٔ اکبر بتوئی



- Principles for a free society: common Good Reconciling Individual Liberty with the
- Richard A. Epstein
- Perseus Publishing
- 2002

واژهٔ مصلحت عمومی [Common good] موجب می‌شود که آزادی خواهان خود را پس بکشند، چون آن را بهانهٔ مبهمی برای حکومتها می‌دانند تا قدرت‌شان را افزایش دهند. ریچارد اپستاین برجسته‌ترین مغز متفکر آزادیخواهان آمریکا با اشاره به این نگرانیها تنش بین آزادی فردی و اهداف اجتماعی را می‌پذیرد و در عین حال معتقد است این دو می‌توانند یکدیگر را تقویت کنند: «اقتصاد آزاد به معنی تلاش برای تجلیل از فرد به قیمت جامعه نیست، بلکه به معنای صورت‌بندی اصولی است که اگر به طور مستمر به کار گرفته شوند، به طور همزمان به نفع همه (یا تقریباً همه) اعضای جامعه خواهند بود.»

اپستاین استدلال‌های قدرتمندی ارائه می‌دهد و حتی خوانندگان شکاک نیز به تدریج با آزادی‌خواهی همراه می‌شوند. کتاب اصول جامعهٔ آزاد حاوی انبوهی از اطلاعات دقیق دربارهٔ ذات انسان و انگیزه‌های اقتدار دولتی است. نویسنده سزاوار مقامی در حد فردریش هایک و میلتون فریدمن است.

جان جی میلر
ترجمهٔ اکبر بتوئی